

پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران
سال هفتم، شماره پیاپی ۲۲، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۷
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۱
صص ۳۳-۵۴

تأملی بر تأثیر روابط جنسی پیش از ازدواج بر گرایش به ازدواج مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه اصفهان

علی قنبری برزیان، استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان، ایران*

شاپور سلمانوندی، دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران

نرگس السادات فاطمی، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر روابط جنسی پیش از ازدواج بر میزان گرایش به ازدواج انجام شده است. جامعه آماری آن همه دانشجویان دختر و پسر در سال تحصیلی (۹۶-۱۳۹۵) دانشگاه اصفهان و روش پژوهش، پیمایش است؛ ابتدا از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای طبقه‌بندی شده و در مرحله بعد از روش تصادفی ساده استفاده شده است. نمونه آماری ۴۳۰ نفر است و داده‌های موردنیاز با استفاده از پرسش‌نامه به دست آمده‌اند. میزان آلفای کرونباخ این پژوهش ۸۱ درصد به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی پذیرفتنی پرسش‌نامه است. در مبنای نظری از نظریه‌های عشق سیال از باومن، تحول ارزش‌ها از اینگلهارت و سکسوالیته پلاستیکی از گیدنز استفاده شده است. یافته‌ها و نتایج این پژوهش نشان می‌دهند روابط جنسی پیش از ازدواج، سبب کاهش گرایش به ازدواج جوانان دانشجوی و نگرش منفی آنها نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده و بی‌اعتمادی به جنس مخالف می‌شود. همچنین کاهش گرایش به ازدواج، زمینه را برای افزایش میانگین سن ازدواج و بستر را برای رسیدن به مجرد قطعی فراهم می‌کند که پیامد چنین امری در درازمدت، از یک سو تهدیدشدن رشد طبیعی جمعیت و از سوی دیگر، ایجاد تحول ساختاری در روابط بین دو جنس زن و مرد است که در هر دو حالت، مطلوب چشم‌انداز تعالی فرهنگی جامعه ایرانی - اسلامی نیست؛ از این رو، انجام دادن پژوهش درباره این مسئله اجتماعی با توجه به جوانی جمعیت ایران، ضرورتی کارکردی دارد.

واژه‌های کلیدی: رابطه جنسی پیش از ازدواج، دوستی با جنس مخالف، نگرش، گرایش به ازدواج

مقدمه و بیان مسئله

ازدواج امری فرهنگی و جهانی است که همیشه در طول تاریخ در تمام جوامع وجود داشته است و به مجموعه‌ای از نیازهای اساسی انسان پاسخ می‌دهد. بقای نسل و پرورش فرزندان، تحقق آرزوی دیرین کودکی برای پدر و مادربودن، دستیابی به عالی‌ترین سطح دوستی و صمیمیت در دوران جوانی و بزرگسالی و تقسیم کار و همکاری و همراهی در طول زندگی از اساسی‌ترین کارکردهای خانواده است. اگر جامعه‌ای بخواهد امنیت و سلامت خود را حفظ کند باید سنت ازدواج در آن برقرار شود تا هر فردی به آرامش موردنیاز خود برسد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند جامعه‌ای که در آن افراد عزب و مجرد زیاد باشند، با مشکلات فرهنگی و اخلاقی بسیاری روبه‌رو می‌شود (صمدی، ۱۳۸۳: ۴۱).

با نگاهی اجمالی به سیر تاریخی زناشویی در کشور ایران می‌توان دریافت مسئله ازدواج اصلی‌ترین شکل جوابگویی به نیاز جنسی افراد است که همواره اهمیت زیادی داشته است. ازدواج عملی است که موجب پیوند بین دو جنس بر پایه روابط پایای جنسی می‌شود؛ البته باید گفت در تعریف ازدواج، روابط جسمانی بین دو جنس مخالف به خودی خود کافی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا ازدواج مستلزم انعقاد قراردادی اجتماعی است که موجب مشروع‌بودن روابط جسمانی می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۲). بدین ترتیب ازدواج فرایندی است که از کنش متقابل بین دو فرد، یک زن و یک مرد تشکیل می‌شود که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی را برای برگزاری زناشویی خود برپا کرده‌اند و به‌طور کلی قانون عمل آنان را پذیرفته است (کارلسون، به نقل از قانع‌عزآبادی، ۱۳۹۳: ۶۸). ازدواج بهترین شیوه ارضای نیاز جنسی در جامعه معرفی می‌شود؛ اما نیاز جنسی شرط کافی برای ازدواج نیست و بلوغ اجتماعی و اقتصادی نیز ضروری تلقی می‌شود. با پیچیده‌تر شدن جوامع، فاصله میان بلوغ جنسی و بلوغ اجتماعی - اقتصادی در جوامع جدید محسوس‌تر شده و خود را در طولانی‌شدن دوره نوجوانی و ایجاد پیچیدگی‌های جدید در تعریف و جوابگویی به نیاز و

غریزه جنسی در قالب‌هایی غیر از ازدواج و در نتیجه، کاهش آمار ازدواج و افزایش سن ازدواج نشان داده است (بستان‌نجفی، ۱۳۹۰: ۴۲). امروزه ازدواج‌ها دیگر تنها براساس سنت‌های جمعی معمول صورت نمی‌گیرد؛ بلکه گرایش فردی به استقلال در امر انتخاب همراه با بالارفتن سطح توقعات و گستره انتظارات از ازدواج و همسر، در کنار طیف گسترده‌ای از ملاک‌ها و هنجارهای گاه متناقض، انگیزه‌مندی افراد را برای ازدواج در شرایط کنونی با چالش روبه‌رو کرده است. به‌طوری که گاه افراد با تردید، نگرانی و دودلی به آن نظر می‌کنند (بهاد، ۱۳۹۰: ۴۹).

رابطه جنسی هم به‌لحاظ عاطفی و هم به‌لحاظ جسمی عاملی قوی و تعیین‌کننده در زندگی زناشویی است؛ البته گرایش به فعالیت جنسی تنها از علل زیست‌شناختی و غریزه تولیدمثل تأثیر نمی‌گیرد و در هر بافت فرهنگی به صورت‌های متفاوتی تعریف می‌شود. گسترش اینگونه روابط از جمله موضوعات حساس و عموماً مغفول در امر سیاستگذاری و مطالعات آکادمیک در ایران است. امروزه تفاوت در نگرش به نحوه رابطه با جنس مخالف به یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌ها و کانون‌های مناقشه بین‌نسلی در خانواده ایرانی به‌ویژه در کلان‌شهرها تبدیل شده است. احساس خطر مسئولان از تبعات گسترش روابط جنسی پرخطر و ایدز میان جوانان، به مسئله‌ای پیچیده و حساس تبدیل شده و سیاست غالب نیز نادیده‌گرفتن آن است.

در جامعه ما نیز همسو با دیگر جوامع، ارزش‌ها و به‌دنبال آن ارزش‌های جنسی با تأثیر گرفتن از رسانه‌ها از جمله ماهواره دستخوش تغییر شده‌اند. میزان ازدواج کاهش و آمار طلاق افزایش یافته است و به ارضای نیاز جنسی به گونه‌هایی متفاوت‌تر از گذشته نگریسته می‌شود (ذکایی، ۱۳۸۴: ۱۳). تغییرات نظام ارزشی و تغییر ساختار اقتصادی ایران، به تدریج زمینه را برای بروز الگوهای جدیدی از رفتارهای جنسی میان بخشی از جوانان ایرانی فراهم کرده است. شکل‌گیری ارزش‌های نو و پیدایش الگوهای جدیدی از رفتار که مانند پاسخ‌هایی به نیازهای درونی ارضاننده آنان عمل می‌کنند،

و پژوهشگران حوزه خانواده و زنان در پژوهش‌های خود به اختلالات عاطفی، پنهان‌کردن هویت، بروز حسادت، گرایش به اعتیاد و جو نامناسب و بدبینی و بی‌اعتمادی به همسر به‌منزله عوارض رابطه جنسی قبل از ازدواج اشاره کرده‌اند (شیخ‌دارانی و همکاران، ۱۳۸۷).

پژوهش‌های متعددی تغییرات کمی و کیفی در رابطه جنسی قبل از ازدواج در ایران را نشان می‌دهند. مراد از تغییرات کیفی آن است که رابطه با جنس مخالف به شکل‌های مختلفی از جمله روابط هم‌خانگی، ضد عاشقانه (الگوهای مدرن) و روابط مبتنی بر عشق سیال (الگوی پسامدرن) بازتولید شده است (آزادرمکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۸). منظور از تغییرات کمی نیز آن است که برخلاف گذشته که جوانان تنها با یک نفر رابطه داشتند، اکنون با چندین نفر (همزمان یا طی دوره‌های مختلف) رابطه جنسی دارند. در این زمینه شواهد نشان‌دهنده آن‌اند که از میان دانشجویان مجرد شهر تهران، ۳۵ درصد تنها یک رابطه، ۳۶/۵ درصد دو یا سه رابطه و ۲۸/۳ درصد بیش از سه رابطه با جنس مخالف را تجربه کرده‌اند و حدود ۲۱ درصد از پسران مجرد و ۱۴ درصد از دختران مجرد، تجربه رابطه فیزیکی و جنسی داشته‌اند (خلج‌آبادی‌فراهانی و شجاعی، ۱۳۹۲).

نوجوان تابع احساسات خود است و امکان زیادی وجود دارد که از این روابط آسیب ببیند و آسیب برساند؛ این موضوع از جمله مسائل فرهنگی - اجتماعی جامعه کنونی است که به‌طور منطقی و کامل حل نشده است؛ از این رو، ارتباط با جنس مخالف قبل از ازدواج سبب آسیب‌پذیری بیشتر خانواده و تداوم نیافتن زناشویی و فروپاشی خانواده و تولید آسیب‌های اجتماعی دیگر و چالش‌های جدی برای نظام اجتماعی و به‌ویژه دختران می‌شود و سؤالات زیادی را درباره تداوم سلامت خانواده ایرانی ایجاد می‌کند. ضرورت بررسی و نگاه علمی به این مسئله زمانی نمایان‌تر می‌شود که بدانیم براساس مطالعات و پژوهش‌ها، باورها و نگرش‌های متناقضی بین جوانان و دانشجویان درباره تأثیر رابطه جنسی قبل از ازدواج بر تداوم و تمایل به ازدواج وجود دارد

تردیدها و نگرانی‌هایی را برای خانواده‌های ایرانی ایجاد کرده است.

در سال‌های اخیر، پدیده ازدواج در کشور ما دستخوش تحولات چشمگیری از جمله کاهش میزان ازدواج، افزایش سن ازدواج، ازدواج سفید، ازدواج اینترنتی، تمایل نداشتن به فرزند و... در ابعاد مختلف شده است؛ اما این مسئله اجتماعی نیز طبق انواع دیگر ناهنجاری و کجروی که در هر جامعه‌ای به چشم می‌خورد، به‌صورت پنهانی در جامعه وجود دارد و نمی‌توان وجود اینگونه روابط را با همه ابعاد و بازخوردهایش در جامعه نادیده گرفت یا بعضی اوقات نمی‌توان با انکار چنین مسائلی از وقوع آسیب‌های آن جلوگیری کرد. اندک پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده‌اند، نشان می‌دهند روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران در حال افزایش است؛ اما نکته در این است که افزایش حجم این رفتارهای جدید به تدریج گونه‌های پیچیده‌تر شدن آنها را نیز در پی داشته است؛ تا آنجا که امروزه با گونه‌های متفاوتی از روابط جنسی پیش از ازدواج با خاستگاه‌هایی متفاوت روبه‌رو هستیم (سلیمی‌نیا و جزایری، ۱۳۸۴: ۳۳؛ گرمارودی و همکاران، ۱۳۸۸؛ خلج‌آبادی‌فراهانی و مهریار، ۱۳۸۹؛ کاظمی‌پور و همکاران، ۱۳۹۲؛ خلج‌آبادی‌فراهانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۸؛ علی‌تبار، ۱۳۹۳: ۲۶۲)؛ بنابراین، با توجه به اینکه روابط جنسی خارج از ازدواج هم در عرف و هم از حیث قانونی پذیرفته نیست و با توجه به جوان‌بودن جامعه ایران از یک سو و افزایش سن ازدواج از سوی دیگر و نیز با توجه به آگاهی از پیامدهای این روابط نابهنجار در جامعه، شیوع و افزایش آن می‌تواند به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر استحکام نهاد خانواده اثرگذار باشد و این امر بیش از پیش ضرورت بررسی دقیق‌تر نگرش‌های جوانان نسبت به این موضوع را آشکار می‌کند.

هدایت‌مقدم و همکاران (2015)، وکیلان و همکاران (2014)، خلج‌آبادی‌فراهانی (۱۳۹۵)، ولز و تونگ (2005)، گلزاری (۱۳۸۴) و پژوهشگران دیگر بر آسیب‌های روانی و فرهنگی و تبعات منفی تجربه جنسی قبل از ازدواج در زناشویی و میل به ازواج تأکید کرده‌اند. همچنین روان‌شناسان

خلیج‌آبادی‌فراهانی و شجاعی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای مقطعی و توصیفی - تحلیلی درباره بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج و تمایل به ازدواج بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران، ۲۰۳۱ دانشجوی ۱۸-۴۰ ساله از ۷ دانشگاه دولتی و آزاد در تهران را بررسی کردند و تأثیر معاشرت‌ها با جنس مخالف بر تمایل به ازدواج دانشجویان مجرد را سنجیدند. نتایج نشان دادند پس از کنترل متغیرهای جنسیت و وضعیت اقتصادی و فرهنگی خانواده، تجربه معاشرت پیشرفته قبل از ازدواج، یکی از عوامل تعیین‌کننده افزایش سن ازدواج بین دانشجویان است. به طوری که این تجربه حدود ۲ سال ازدواج را با تأخیر همراه می‌کند.

عظیمی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی که با نمونه ۱۴۴۰ نفر در دانشگاه‌های استان خراسان رضوی انجام شده است، تأکید می‌کنند که جوانان به طور مشهودی دوست دارند خودشان همسرشان را انتخاب کنند و ۴۰ درصد از دانشجویان به دوستی دختر و پسر نگرش مثبتی دارند و بیش از ۳۰ درصد به رابطه جنسی قبل از ازدواج هم نگرش مثبتی دارند.

آزادارمکی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش «سنخ‌شناسی روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران» به این نتیجه رسیدند که ارزش‌هایی چون وجودداشتن دوستی بین دخترها و پسرها تغییر کرده‌اند. کمتر از نیمی از افراد نمونه بررسی شده در این پژوهش با دوستی دخترها و پسرها مخالف و بیشتر از نیمی از آنها با این موضوع موافق بودند.

گرمارودی و همکاران (۱۳۸۸) با مطالعه ۲۴۰۰ دانش‌آموز دبیرستانی (۱۴ تا ۱۷ سال) به این نتیجه رسیدند که بیش از ۲۰ درصد از آنان رابطه جنسی را در زندگی خود تجربه کرده‌اند.

محمد و همکاران (۲۰۰۷) نیز در پژوهش خود نشان دادند ۲۸ درصد از نوجوانان و جوانان شهری رابطه جنسی قبل از ازدواج را تجربه کرده‌اند.

شیخ‌دارانی و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهش «بررسی تأثیر آموزش مبتنی بر افزایش آگاهی از آسیب‌های ناشی از روابط

(خلیج‌آبادی‌فراهانی، ۱۳۹۵). گسترش این پدیده می‌تواند معیارهای همسرگزینی و ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی و کیان خانواده ایرانی را تهدید کند.

در مقاله حاضر تلاش بر این است تا تأثیر روابط جنسی قبل از ازدواج بر نگرش و میزان گرایش دانشجویان به ازدواج و میزان اعتماد متقابل بین دختران و پسران بررسی و تحلیل و به این سؤال پاسخ داده شود که روابط جنسی خارج از ازدواج چه تأثیری بر نوع نگرش‌ها و روابط زوج‌ها و میزان اعتماد آنها و میزان گرایش دانشجویان به ازدواج و تشکیل خانواده دارد.

مروری بر مطالعات پیشین

سعی شده است تا حد امکان پژوهش‌هایی انتخاب و مطالعه شوند که بیشترین وجه اشتراک و همپوشانی را با موضوع پژوهش حاضر دارند. در این قسمت تعدادی از این پژوهش‌ها به صورت چکیده و خلاصه ذکر می‌شوند:

قادرزاده و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش «جوانان و روابط پیش از ازدواج» که با استفاده از مصاحبه عمیق با ۲۱ نفر از جوانان سنندجی انجام شده است که تجربه رابطه جنسی قبل از ازدواج را داشته‌اند، به این نتیجه رسیدند که تجربه رابطه جنسی قبل از ازدواج پیامدهایی چون تنوع‌طلبی، بی‌وفایی، نداشتن اعتماد و اختلافات خانوادگی دارد.

خلیج‌آبادی‌فراهانی (۱۳۹۵) در فراتحلیل ۱۶ پژوهش که درباره رابطه جنسی قبل از ازدواج در نمونه آماری دانشجویان در دانشگاه‌های مختلف کشور انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که در همه این پژوهش‌ها پسران به طور چشمگیری بیشتر از دختران تجربه رابطه جنسی قبل از ازدواج داشته‌اند. براساس این پژوهش به صورت میانگین بیش از ۲۶٪ از دانشجویان پسر و ۱۷٪ از دانشجویان دختر این تجربه را داشته‌اند. بیش از ۷۰٪ از دانشجویان نمونه‌های بررسی شده که این تجربه را داشته‌اند، بیان کرده‌اند تمایلی به ازدواج ندارند و ۸۲٪ از آنها اظهار داشتند که حاضر نیستند با کسانی ازدواج کنند که تجربه رابطه جنسی قبل از ازدواج دارند.

داشته‌اند، دوست ندارند همسر آینده‌شان قبل از ازدواج این روابط را تجربه کرده باشد و میل به ازدواج در آنها کاهش یافته است.

موحد و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهشی که میان ۳۸۹ دانشجوی دانشگاه‌های شیراز و علوم پزشکی شیراز انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیدند که ۲۶٪ از دانشجویان نگرش مثبت، ۵۰/۸٪ نگرش میانه و ۲۳٪ نگرشی منفی به روابط جنسی پیش از ازدواج دارند.

زلینک و کانتر^۱ (۱۹۸۰) در پژوهش «مراوده با جنس مخالف؛ تفاوت‌ها و شباهت‌ها، انتخاب‌ها و بن‌بست‌ها» و کاجر و پیترسون^۲ (۱۹۸۴) در پژوهش «بررسی روابط جنسی و آبستنی در نوجوانان در پیش از ازدواج (۱۹-۱۰ساله) در بین شهرهای بزرگ» به این نتیجه رسیدند که ایجاد اینگونه فعالیت‌ها، پیامدها و تأثیرهای منفی زیادی بر سلامت جسمی و روانی نوجوانان به‌ویژه دختران بر جای می‌گذارند. زیاری (۱۳۹۰: ۳۷) نیز معتقد است یکی از عوامل تأثیرگذار منفی در زندگی دختران جوان، به هم خوردن رابطه پیش از ازدواج آنان و ایجاد نگرش منفی نسبت به جنس مخالف، ایجاد حس انتقام و افسردگی در آنان است.

هاردینگ و جنکیز^۳ (۲۰۰۳) نشان دادند در سال ۱۹۶۹ بیش از ۷۵٪ از آمریکاییان اعتقاد داشتند رابطه جنسی پیش از ازدواج، امری زشت و مذموم است؛ اما تنها چند سال بعد، دیدگاه غالب نسبت به اینگونه روابط در آمریکا، تغییرات فاحشی پیدا کرد. به‌طوری که تنها ۳۳٪ از آمریکاییان در دهه ۱۹۸۰ اعتقاد داشتند رابطه جنسی پیش از ازدواج، امری ناپسند است و باید از آن پرهیز کرد. این در حالی است که در جامعه امروز آمریکا تقریباً همه جوانان رابطه جنسی پیش از ازدواج را تجربه می‌کنند (Regner & Aker, 2011). در سال‌های اخیر در این کشورها هم سن ازدواج افزایش یافته است هم میزان ازدواج نسبت به یک دهه قبل کاهش چشمگیری داشته است (Lee & Payne, 2010). امروزه در این کشورها کمتر و دیرتر

آسیب‌زای دختر و پسر بر نگرش دانش‌آموزان دختر مدارس دوره متوسطه شاهین‌شهر» نشان دادند این آموزش‌ها در دانش‌آموزان دختر سبب بهبود نگرش آنها در حیطه‌های آسیب به زندگی مشترک آینده و آسیب به روابط خانوادگی شده است. این تغییر در حیطه آسیب‌های اجتماعی تنها در مرحله پس‌آزمون ایجاد شد. همچنین این مداخله بر نگرش آنان در حیطه‌های آسیب‌های عاطفی - روانی و مشکلات تحصیلی تأثیر معناداری نداشت. ارتباط با جنس مخالف قبل از ازدواج سبب آسیب به خانواده و تداوم نیافتن پیوند عاطفی با طرف مقابل می‌شود. همچنین اگر جوانی با تجربه‌های دوستی قبل از ازدواج بخواهد خانواده تشکیل بدهد، یکی از مشکلات او بدگمانی نسبت به همسر است که به‌طور طبیعی اضطراب و ناامنی را به زندگی او وارد می‌کند. براساس نتیجه این پژوهش افرادی که قبل از ازدواج رابطه و به‌ویژه ارتباط جنسی با جنس مخالف را تجربه کرده‌اند، نسبت به همسر خود عملکرد خوبی نداشته‌اند و وضعیت نابسامان آنها بر رفتار همسرشان تأثیر منفی داشته است.

مطالعه خلیج‌آبادی‌فراهانی و مهریار (۱۳۸۹) نشان داد بین ۵۴ تا ۵۸ درصد از دانشجویان روابط دوستی قبل از ازدواج را تجربه می‌کنند.

پژوهش‌های اخیر درباره اهمیت روابط عاشقانه نشان می‌دهند این روابط بر کارکرد نوجوان اثر مهمی دارند. برای نمونه درگیری نوجوانان در روابط عاشقانه با سطوح بالاتر، نشانه‌های افسردگی ارتباط را داشته است و به نظر می‌رسد فروپاشی این روابط، عاملی پیش‌بین و مهم در افزایش نشانه‌های افسردگی باشد (میرزایی و برغمندی، ۱۳۸۹). همچنین بسیاری از کسانی که گرفتار دام دوستی‌های قبل از ازدواج می‌شوند، از تحصیلات بازمی‌مانند و اسباب بدنامی و تباهی خویش را فراهم می‌کنند و در مواردی مشاهده شده است که به خودکشی و فرار روی آورده‌اند (حسینی، ۱۳۹۴: ۴۴).

قاسمی (۱۳۸۵) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که حدود دو سوم از دانشجویان با این مسئله موافق بودند که بیشتر کسانی که رابطه دوستانه با جنس مخالف

¹ Zealek & Kanter

² Kajear & Peatersoon

³ Harding & Jencks

قبل از ازدواج با همسر فعلی‌شان، رابطه جنسی را تجربه کرده‌اند.

همچنین مطالعات نشان می‌دهند از مهم‌ترین پیامدهای منفی در اثر روابط با جنس مخالف در زندگی نوجوان عبارت‌اند از: سوءاستفاده جنسی (Schumm, 2000)، عملکرد ضعیف نسبت به همسر و وضعیت نابسامان در زندگی مشترک آینده (Foorman, 2002) و استرس، مشکلات روانی - هیجانی و کاهش عزت نفس (Etaugh & Bridges, 2004).

تمهیدات نظری پژوهش

فردگرایی: فردیت‌سازی، مفهومی است که دگرگونی ساختاری و جامعه‌شناختی نهادهای اجتماعی و رابطه فرد با جامعه را توصیف می‌کند. فردیت‌سازی مردم را از نقش‌های سنتی و محدودیت‌های آنها به روش‌های مختلف آزاد می‌کند. ابتدا افراد از طبقات مبتنی بر منزلت خلاص و طبقات اجتماعی سنت‌زدایی می‌شوند. این امر که از پیامدهای مدرنیته و تجددگرایی است، در ساختار خانواده، شرایط سکونت، فعالیت اوقات فراغت، توزیع جغرافیایی جمعیت، عضو شدن در اتحادیه‌های تجاری و باشگاه‌ها، الگوهای رأی‌گیری و... مشاهده می‌شود. از یک سو، تغییرات عصری به‌ویژه در قلمرو رابطه جنسی، قانون و آموزش در حال وقوع است. از سوی دیگر، به‌جز رابطه جنسی، این تغییرات بیشتر در آگاهی مردم و روی کاغذ وجود دارد تا در رفتار و شرایط اجتماعی. این امر از نظر تاریخی آمیزه‌ای از آگاهی جدید و شرایط قدیم است که در اذهان مردم، به نابرابری مستمر و بر هم انباشته بین زن و مرد و فقیر و ثروتمند شدت می‌بخشد (Beck, 2002: 202-214).

این نظریه رابطه خارج از چارچوب قواعد پذیرفته‌شده فرهنگی با جنس مخالف را نوعی مبادله در نظر می‌گیرد و معتقد است محیطی که رفتار در آن رخ می‌دهد (خواه اجتماعی خواه فیزیکی) از رفتار تأثیر می‌گیرد. طبق این نظریه رفتار کنشگر در یک محیط (اجتماعی یا فیزیکی) رخ می‌دهد و از رفتار کنشگر اثر می‌گیرد و بازخوردهای خاص خود را

ازدواج می‌کنند و ۳۰٪ از جوانان انگلیسی، هم‌بالینی را بر ازدواج مقدم می‌دانند (بارلو و همکاران، به نقل از آزادارمکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۹).

براون و همکاران^۱ (2006) نقش و پیامد هم‌خانگی پیش از ازدواج را بر زندگی جوانان متأهل در آمریکا بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که این روابط، پیامدهای زیان‌آوری مانند کاهش کیفیت زندگی، بی‌ثباتی و طلاق را در پی داشته است.

پژوهش الکساندر و همکاران^۲ (2006) نیز نشان داد بسیاری از جوانان در رابطه با جنس مخالف راهبردهای تقریباً یکسانی مانند رابطه به‌دلیل داشتن شریک عاشقانه، تجربه گرفتن دست جنس مخالف، بوسیدن او و داشتن رابطه جنسی را در پیش گرفته‌اند. از دیگر نتایج این پژوهش آن بود که شکل دوستی با جنس مخالف، سبب ایجاد روابط صمیمانه فیزیکی می‌شود.

کمپ‌داش و همکاران^۳ (2003) مطالعه‌ای در آمریکا روی ۱۱۴۲۵ زوج در دو نسل ازدواج (نسل ازدواج ۱۹۶۴ و ۱۹۸۰ میلادی و نسل ازدواج بین ۱۹۸۱ و ۱۹۹۷ میلادی) انجام دادند. آنها نشان دادند زوج‌هایی که قبل از ازدواج ارتباط هم‌خانگی یا همبashi داشته‌اند، کیفیت ازدواج ضعیف‌تر و سست‌تری داشته‌اند و طلاق بیشتری را تجربه کرده‌اند؛ درواقع، رخداد طلاق در زوج‌های فوق در مقایسه با زوج‌هایی که قبل از ازدواج همباش نبوده‌اند، بالاتر بوده است. گومن و همکاران^۴ (2006) نشان دادند در چند دهه اخیر، رابطه جنسی پیش از ازدواج در ویتنام هم افزایش یافته و هم الگوی آن تغییر کرده است. این روابط در گذشته بیشتر به ارتباط با کارگران جنسی خلاصه می‌شد؛ اما جوانان امروزی در ویتنام، بیشتر به رابطه با کسی تمایل دارند که می‌خواهند او در آینده ازدواج کنند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد ۴۲٪ از مردان ویتنام شمالی و ۲۵٪ از مردان ویتنام جنوبی،

¹ Brown et al.

² Alexander et al.

³ Kamp Dush et al.

⁴ Ghuman et al.

کلی زندگی‌شان شکل می‌گیرد و گاهی تجارب سازنده یک نسل جوان به‌طور عمیق با تجارب نسل‌های گذشته تفاوت دارد (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۱۸۱).

نظریه عشق سیال زیگمونت باومن، رابطه انسانی میان زنان و مردان را بررسی و بر شکنندگی این پیوندهای انسانی در دوران مدرن تأکید می‌کند. باومن نشان می‌دهد چگونه در جامعه مدرن روان‌شناسی، بازار و... انسان‌ها را به سوی ایجاد پیوندهای سست سوق می‌دهند. او این پیوندها را «عشق سیال» می‌نامد. از دید او در عصر حاضر زنان و مردان به شدت محتاج به ایجاد رابطه‌اند؛ در عین حال از این امر هراس دارند که این ارتباط برای همیشه باقی بماند و آنها را به تحمل فشارهایی مجبور کند که آزادی آنها را سلب می‌کنند. در دنیای امروز رابطه جزء داغ‌ترین بحث‌هاست (باومن، ۱۳۸۴: ۱۱). باومن دلیل این مسئله را چنین توضیح می‌دهد که در دنیای امروز روابط زنان و مردان به آنها احساس رضایت نمی‌دهد؛ بلکه بیشتر به رونق کار مشاوران دامن زده است. انسان‌های امروزی روابط را می‌خواهند اما تنها با خوبی‌های آنها و نه مشکلاتشان؛ در نتیجه، از مشاوران می‌خواهند به آنها کمک کنند تا وارد روابطی شوند و از آنها لذت ببرند و در عین حال بتوانند در زمان بروز مشکلات و سختی‌ها روابط را ترک کنند (باومن، ۱۳۸۴: ۱۵).

یکی از تأثیرگذارترین نظریه‌پردازان در زمینه مسائل جنسی میشل فوکوست. او در جلد دوم تاریخ جنسیت که عنوان فرعی کاربرد لذت‌ها را دارد، افقی سراسر تازه برای بررسی پدیده جنسیت و روابط جنسی در غرب گشود. او در آغاز این کتاب اشاره کرد که واژه جنسیت، اصطلاحی نوساخته است که تبار آن به سال‌های نخستین سده نوزدهم میلادی می‌رسد. این بدان معنا نیست که پیش از سده نوزدهم روابط جنسی با تأمل، تفکر و سخن‌گفتن درباره جنسیت وجود نداشته است؛ بلکه بدان معناست که پیدایش این اصطلاح در پیوند با پدیده‌های دیگری بوده است؛ پدیده‌هایی مانند گسترش قلمروهای گوناگون شناخت (از شناخت درباره سازوکار زیست‌شناختی تولیدمثل گرفته تا رفتارهای پرتنوع

نسبت به آن رفتار از خود نشان می‌دهد. بازخورد محیطی این واکنش (مثبت، منفی و خنثی) بر رفتار بعدی کنشگر تأثیر می‌گذارد. اگر این واکنش برای کنشگر پاداش داشته باشد، به احتمال زیاد همان رفتار در آینده در موقعیت‌های مشابه تکرار می‌شود. اگر این واکنش برای کنشگر آسیب، تنبیه یا پیامد منفی داشته باشد، احتمال رخداد آن در آینده کمتر است (ریترز، ۱۳۹۰: ۲۳۶).

از دید گیدنز جهانی‌شدن فرایندی است که بر هویت افراد، روابط شخصی و زندگی خصوصی آنها تأثیر گذاشته است. دوستی، صمیمیت و روابط جنسی، بخشی از روابط شخصی افراد به شمار می‌روند. این روابط در دوران سنتی براساس ارزش‌های خاص آن دوران همچون اخلاص، شرف و مانند آنها استوار بوده است (Giddens, 1992: 142-141)؛ اما در دوران بعد از سنت با تأثیرگرفتن از فرایند مدرنیته و شکل متأخر آن، ارزش‌های فراسنتی همچون وفاداری و درستی شکل می‌گیرند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۴۲). در این وضعیت رابطه، ابزاری برای توسعه خود در نظر گرفته می‌شود و انتظار می‌رود این رابطه هنگامی که این هدف برای مدت زمانی دنبال نمی‌شود، منحل شود. به نظر گیدنز این روابط بعد از سنتی یا عشق ناب، وعده آزادی و شادکامی انسان را می‌دهند و در عین حال پیش‌بینی‌ناپذیرند؛ زیرا تهدیدی برای پیروزشدن انسان‌ها بر اضطراب‌ها هستند و آنها را به درگیر شدن در رفتارهای اعتیادآمیز جبرانی سوق می‌دهند (خواجانه‌نوری و دلوری، ۱۳۹۱: ۴۸). در این زمینه می‌توان نظریه سکسوالیته پلاستیکی گیدنز را هم بررسی کرد.

نظریه تحول و دگرگونی فرهنگی و ارزشی که رونالد اینگلهارت طرح کرده است، به دنبال فهم چگونگی و چرایی تغییر و تحولات فرهنگی و ارزش‌ها و نگرش‌های جوامع است. او درباره تغییر فرهنگ بر این باور است که هر فرهنگ، رهیافت مردم را در تطابق با محیطشان نشان می‌دهد و این رهیافت در بلندمدت به دگرگونی‌های سیاسی، اقتصادی و فناوری پاسخ می‌دهد. جهان‌بینی مردم تنها به آنچه بزرگ‌ترانشان به آنها می‌آموزند بستگی ندارد؛ بلکه با تجارب

این کار می‌کنند؛ به بیان دیگر، تغییر اتفاق افتاده در جامعه مدرن، سبب شده است برخی ویژگی‌های ازدواج در جامعه سنتی مانند نوع انتخاب همسر و دخالت در آن، ازدواج‌های فامیلی، داشتن چند زن، قابلیت فرزندآوری، پایین بودن سن ازدواج، فاصله سنی زن و مرد و پدیده ازدواج مجدد تغییر کنند.

در روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی هم بسیاری از پژوهشگران و روان‌شناسان نامدار، به موضوع هویت جنسی و رفتار جنسی توجه کرده‌اند. طبق نظریه فروید، هویت جنسی دختران و پسران از طریق همسان‌سازی با والدین به وجود می‌آید. کودکان ناهشیارانه با ویژگی‌های شخصیتی، نگرش‌ها و ارزش‌های والدین خود همسان‌سازی و این ارزش‌ها را در خود درون‌فکنی می‌کنند (کجیاف، ۱۳۹۴: ۳۰). هورنای، منتقد جدی فروید، ضمن تمایز قائل شدن بین محبت و میل جنسی، ارتباط آنها را همیشگی نمی‌داند. رفتار جنسی از دید هورنای، راه و روشی برای کاستن یا از میان برداشتن احساس ناپیمنی است (کجیاف، ۱۳۹۴: ۶۵).

از دید مازلو، میل جنسی در خودآگاه این افراد ممکن است محتوای یکسانی داشته باشد و به احتمال زیاد تمام این افراد به اشتباه گمان می‌کنند تنها به دنبال ارضای جنسی‌اند. رفتار جنسی و امیال جنسی خودآگاه می‌تواند به‌طور شگفت‌آوری ریشه‌های پیچیده‌ای در مقاصد ناخودآگاه داشته باشند (کجیاف، ۱۳۹۴: ۶۷). اریک فروم ارضای میل جنسی را نوعی محرک هیجانی زیست‌شناختی به حساب می‌آورد که با نیازها یا هنجارهای اجتماعی مانند همبستگی، عشق و نفرت - که از ساختار اجتماعی برمی‌خیزند- تفاوت دارد (کجیاف، ۱۳۹۴: ۵۶).

چارچوب نظری پژوهش

رفتار محصول نگرش و گرایش کنشگر اجتماعی است که در روایت‌های نظری متعددی تبیین‌شدنی است. این مقاله برای فهم نظری روابط جنسی پیش از ازدواج، با نگاهی تلفیقی، به نظریه‌های اینگلهارت و باومن و گیدنز اتکای بیشتری دارد.

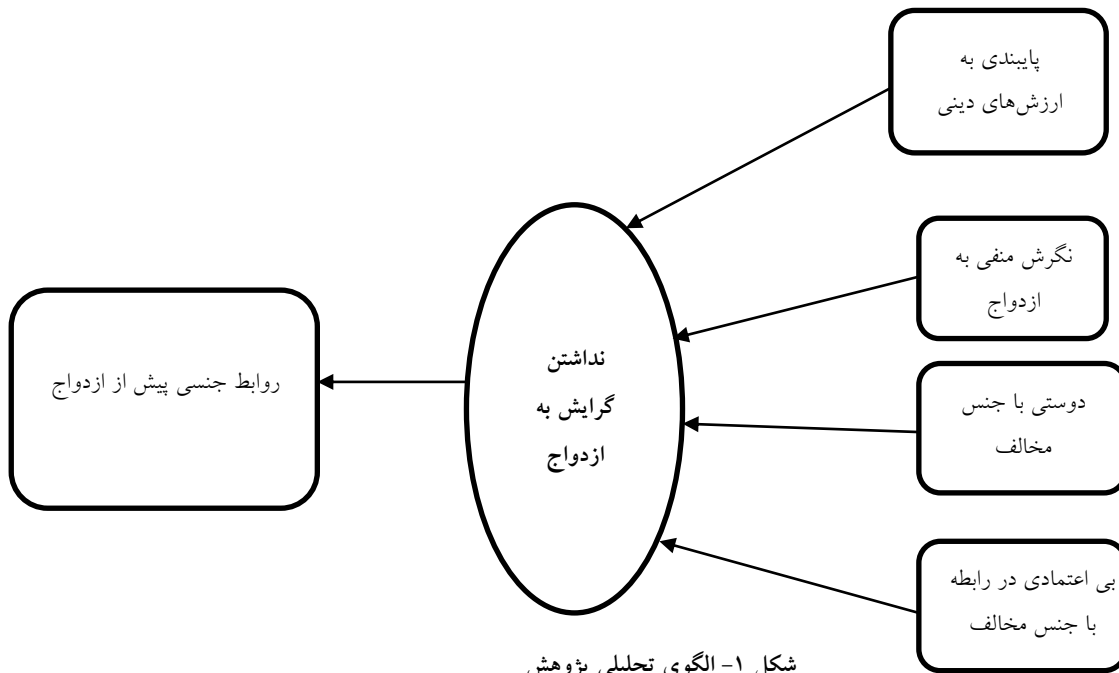
فردی و اجتماعی)، وضع نظامی از قوانین و هنجارها - پاره‌ای سنتی و پاره‌ای دیگر تازه - که بر نهادهای دینی، حقوقی، آموزشی و پزشکی تکیه داشت و تغییرات پدیدآمده در افراد، از نظر شیوه‌ای که آنها به وسیله آن به رفتارها، وظایف، لذت‌ها، احساس‌ها، هنجارها و رؤیاهای خود معنا و ارزش می‌بخشند. زندگی جنسی در این دوران از یک سو به خلوت‌خانه و تولیدمثل محدود می‌شود و از کوچه و بازار رخت برمی‌بندد و اخلاقیات شدیدی بر آن حاکم می‌شود. از سوی دیگر، به مسئله عمومی و موردعلاقه حکومت و موضوع دانش و تحلیل تبدیل می‌شود. به نظر فوکو هدف از این گفتارها ریشه‌کن کردن اشکال غیرمولد جنسیت و ستایش از جمعیت بارور و توانا بود که حاصل نشد؛ زیرا در قرن نوزدهم انواع و اقسام مختلفی از زندگی جنسی انتشار یافت. انتشار جنسیت به این معنا، اشکالی از مقاومت در مقابل قدرت گگتمان جنسیت در قرن‌های هجدهم و نوزدهم بود که زندگی جنسی سالم را تعریف و اشکال غیرعادی آن را طرد و اخراج می‌کرد. بدین سان اعمال قدرت بر زندگی جنسی موجب سرکوب نمی‌شود؛ بلکه سبب تحریک انتشار جنسیت‌های غیررسمی می‌شود. به عقیده فوکو قدرت در این رابطه تأثیر منفی نداشته است؛ بلکه اثر مولد داشته است. به این معنا که موجب تولید انواع جنسیت شده است که مظهر مقاومت در برابر قدرت‌اند (فوکو، ۱۳۸۴: ۳۲).

در نظریه ویلیام گود، قربت و درواقع همگرایی بین فرایند مدرنیته و پدیده تأخیر در سن ازدواج وجود داشته است. این نظریه تغییرات به وجودآمده در سن ازدواج را نتیجه دگرگونی‌های ایجادشده در ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان می‌داند که خود معلول مدرنیسم است (محمودیان، ۱۳۸۳: ۴۸). از دید گیدنز گسترش بی‌اعتمادی و دورویی در روابط اجتماعی و گسترش انواع انحراف اخلاقی در سطح جامعه به نهاد خانواده و مناسبات انسانی نیز سرایت کرده و در اساس، کیفیت ارتباط با دیگران را دچار شک و تزلزل کرده است (گیدنز، ۱۳۸۵: ۴۴). هر قدر اعتماد میان افراد جامعه بیشتر باشد، ریسک ازدواج بالاتر می‌رود و افراد، محتاط‌تر از قبل اقدام به

حساب‌گرانه‌اند. روابط به محض تقاضا برقرار می‌شوند و به میل و دلخواه خود می‌توانند گسسته شوند. نپذیرفتن مسئولیت و فردیت، مهم‌ترین عامل این سیال‌بودن است (باومن، ۱۳۸۴: ۱۰۴). براساس نظریه گیدنز، روابط جنسی انسان پسامدرن از فضاهای مجازی جدید و فناوری‌های جدید، پلاستیک‌وار، باز و بی‌پایان و تنوع‌طلب تأثیر می‌گیرند که بیشتر برای فرار از ازدواج و سلطه مردانه انجام می‌شوند؛ ازاین‌رو، تجربه جنسی قبل از ازدواج و بیرون از هنجارهای قانونی، صمیمیت و اعتماد و اخلاقیات را از بین می‌برد (الیوت و ترنز، ۱۳۹۰).

موضوع نظریه تحول فرهنگی اینگلهارت قادر به تبیین برخی متغیرهای مؤثر است و هم نظریه نوگرایی گیدنز و ویلیام گود و هم نظریه عشق سیال باومن می‌توانند ابعاد دیگری از این پدیده را تبیین کنند؛ ازاین‌رو، در چارچوب نظری این موضوع، از نظریه تحول ارزشی اینگلهارت، نظریه عشق سیال باومن و نظریه سکسوالیته گیدنز استفاده شده است. از دید اینگلهارت تحولات و تغییرات فرهنگی برآمده از نوسازی سبب تغییر در باورها، نگرش‌ها و گرایش‌ها درباره ازدواج و رابطه با جنس مخالف و درنهایت، عامل تغییر در رفتارها می‌شود. از دید باومن روابط انسان معاصر، سیال، شکننده و

الگوی تحلیلی پژوهش



شکل ۱- الگوی تحلیلی پژوهش

گسترده جامعه آماری و افزایش دقت نمونه‌گیری و کاهش خطای نوع اول، نمونه به ۴۳۰ نفر ارتقا داده شد. اطلاعات و داده‌های موردنیاز با استفاده از پرسش‌نامه گردآوری شدند. بدین منظور از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای طبقه‌بندی شده و سپس نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد؛ پس از جمع‌آوری اطلاعات برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از

روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش، پیمایشی و جامعه آماری آن همه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۹۷ در همه مقاطع تحصیلی است که تعداد کل آنها حدود ۱۴۳۰۰ نفر است. با استفاده از فرمول کوکران و مطالعه، تعداد ۴۱۰ نفر برای نمونه انتخاب شدند؛ اما با توجه به تنوع

درجه‌بندی، طبقه‌بندی و امتیازبندی پدیده‌ها (مثل کالاها) است؛ از خوب تا بد یا از مثبت تا منفی (رفعی‌پور، ۱۳۷۲: ۲۶۹).

ارزش عبارت است از اعتقاد کلی فرد درباره رفتارهای مطلوب و نامطلوب، اهداف یا حالت‌های غایی. ارزش‌ها در مرکز مفهوم خودمفهومی قرار دارند و بر تفکر و عمل به روش‌های مختلف تأثیر می‌گذارند. ارزش‌ها استانداردها یا معیارهایی برای ارزیابی اعمال و پیامدها، قضاوت‌کردن درباره ایده‌ها و اعمال، طرح‌ریزی و هدایت اعمال، تصمیم‌گیری بین شقوق، مقایسه‌کردن خود با دیگران و مدیریت‌کردن بر تعاملات اجتماعی را فراهم می‌کنند.

به نظر روکیچ، ارزش، عقیده یا باور نسبتاً پایداری است که فرد با تکیه بر آن، یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی شخصی یا اجتماعی را به یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی که نقطه مقابل حالت برگزیده قرار دارد، ترجیح می‌دهد (فرامرزی، ۱۳۷۸: ۱۱۱).

شوارتز و بلیسکی تعریفی از ارزش ارائه کرده‌اند که چند وجه اصلی دارد: ارزش‌ها مفاهیم یا باورهایی‌اند که با رفتار یا حالت مطلوب مرتبط‌اند، فراتر از موقعیت‌های خاص قرار می‌گیرند، راهنمای انتخاب و ارزیابی رفتار و حوادث به شمار می‌روند و براساس اهمیت نسبی‌شان رتبه‌بندی می‌شوند (فرامرزی، ۱۳۷۸: ۱۱۵).

نگرش: نگرش نظر، برداشت و طرز تلقی یک شخص درباره یک پدیده است. نگرش فرد درباره یک پدیده در مرحله‌ای است که آن فرد هنوز با آن پدیده تجربه شخصی زیادی نداشته است و هنوز به تصمیم‌گیری قاطع در رد یا تأیید آن نرسیده است؛ در حالی که گرایش، یک مرحله جلوتر از نگرش است و در آن سوگیری و موضع‌گیری وجود دارد. افراد در مرحله نگرش به راحتی می‌توانند نظر خود را تغییر دهند (رفعی‌پور، ۱۳۷۲: ۸-۷). نگرش با توجه به تجارب فردی و شخصیت افراد، یک طرز فکر در یک شیوه خاص است. به طور معمول وقتی ما به نگرش‌های افراد اشاره می‌کنیم، در واقع تلاش می‌کنیم رفتار افراد را توضیح دهیم. به عبارتی، نگرش‌ها ترکیب پیچیده‌ای از شخصیت، باورها،

آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. برای سنجش روایی و پایایی نیز از ضرایب آزمون کرونباخ و اعتبار صوری استفاده شد.

جدول ۱- ضریب آلفای کرونباخ گویه‌های مهم‌ترین متغیرهای پژوهش (همبستگی درونی گویه‌ها)

ردیف	متغیر	ضریب روایی	تعداد گویه
۱	رابطه قبل از ازدواج جنسی	۰/۷۸۶	۶
۲	دوستی با جنس مخالف	۰/۷۵۶	۵
۳	نگرش به ازدواج	۰/۷۴۵	۶
۴	گرایش به ازدواج	۰/۷۵۷	۵
۵	اعتماد متقابل بین دو جنس	۰/۷۸	۶

تعریف اصطلاحات و مفاهیم

ازدواج: زناشویی یا ازدواج فرایندی است که کنش متقابل بین دو فرد، یک مرد و یک زن را شامل می‌شود؛ زن و مردی که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود برپا کرده‌اند و به طور کلی قانون عمل آنان را پذیرفته و بدان ازدواج اطلاق شده است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۵).

رابطه جنسی: رابطه‌ای است که برای دو طرف ارضاکنده و بدون ترس و اضطراب باشد و دو طرف سعی کنند به نیازهای عاطفی - جنسی یکدیگر پاسخ مناسب بدهند (شیرمحمدی، ۱۳۸۶: ۶۱). در این مقاله روابط با جنس مخالف شامل هرگونه روابط دختر و پسر در تمام سطوح عاطفی و جنسی با قصد ازدواج یا بدون قصد ازدواج است و شامل روابط در فضای مجازی هم می‌شود. رابطه جنسی هم به معنای هرگونه تماس و رابطه فیزیکی یا جنسی با دوستی از جنس مخالف است که قبل از هرگونه پیوند نکاحی و شرعی و ازدواج رخ داده باشد.

ارزش: ارزش‌ها را می‌توان مجموعه‌ای از پنداشت‌های اساسی نسبت به آنچه پسندیده است، دانست که تجلی‌گاه عمیق‌ترین احساسات مشترک نسبت به جهان‌ها در جامعه‌اند (چلبی، ۱۳۷۵: ۶۰). رفعی‌پور می‌گوید: ارزش، یک نوع

ارزش‌ها و انگیزه‌ها هستند.

هر نگرش شامل سه بعد شناختی (مربوط به باورهای گوناگون و آگاهانه افراد نسبت به یک موضوع)، عاطفی (شامل عواطف و احساساتی است که بر اثر رویارویی با یک موضوع در شخص برانگیخته شده است و ارزیابی او را از آن موضوع مشخص می‌کند) و رفتاری یا عمل (شخص در برخورد با موضوع مدنظر به گونه معینی رفتار می‌کند) می‌شود.

گرایش: اگرچه صاحب‌نظران درباره ماهیت گرایش اتفاق نظر ندارند، از دید دورکیم، تمایل «خود» برای حرکت به سمت شیئی خوشایند، گرایش نامیده می‌شود. این تعریف، گونه‌ای طبقه‌بندی نیز به دست می‌دهد؛ یعنی به تعداد اشیایی که چنان حرکتی را موجب می‌شوند، انواع گوناگونی از گرایش وجود دارد.

گرایش نوعی تمایل را برای رفتار و قصد و نیت نشان می‌دهد. نگرش تنها نوعی شناخت و دانش اولیه نسبت به آن موضوع است؛ اما مشهورترین و مهم‌ترین نظریه را در زمینه گرایش، فیش باین و آیزن ارائه کرده‌اند (رفیعی‌پور، ۱۳۷۲: ۹). به عقیده آنها براساس نظریه یادشده، متغیر گرایش «خود» تابع دو عامل دیگر، سبب بروز رفتار می‌شود:

الف) انتظار فایده: انتظار فایده به این معنی است که یک شخص تا چه حد از یک پدیده، انتظار فایده و سودمندی دارد؛ برای مثال یک دانشجوی ترویج کشاورزی فکر کند که روستا و اشتغال در آن تا چه حد می‌تواند برای حل مسائل او مفید باشد؛ بنابراین، انتظار فایده نشان‌دهنده عوامل مختلفی چون ارتباط داشتن و درک اهمیت و... برای یک پدیده نیز هست.

ب) ارزیابی فایده: که براساس آن می‌توان فهمید یک پدیده برای یک فرد تا چه اندازه فایده داشته است. هنجار ذهنی در نظریه فیش باین و آیزن منعکس‌کننده نفوذ و فشار اجتماعی روی یک شخص برای انجام یک رفتار است و این را می‌سنجد که افراد یا گروه‌های خاص تا چه حد رفتار او را تأیید خواهند کرد. این فشار به‌طور معمول از سوی گروه مرجع - یعنی گروهی که فرد به آن متعلق است - بر شخص وارد می‌شود که شامل پدر، مادر، دوستان، همکاران یا کسانی است که با فرد ارتباط نزدیکی دارند.

تزیسه و کرومکا در زمینه گرایش به سه بعد عناصر ادراکی، عناصر ارزشیابانه و عناصر عملی و رفتاری اشاره می‌کنند (رفیعی‌پور، ۱۳۷۲). منظور از عناصر ادراکی، اطلاعات ذهنی است و عناصر ارزشیابانه، عناصری‌اند که از طریق آنها فایده یک پدیده ارزیابی می‌شود. عناصر عملی و رفتاری نیز نشان می‌دهند یک فرد تا چه حد برای حل مشکلات خود به یک پدیده رجوع می‌کند؛ از این رو، عنصر مهم گرایش، عکس‌العمل‌های ارزیابی‌کننده‌ای است و همواره نوعی سوگیری و موضع‌گیری را در خود دارد.

در این مقاله از نظریه فیش باین و آیزن و گرایش به معنای تمایل و قصد و نیت همراه با سوگیری و موضع‌گیری استفاده شده است. رفتار یک فرد متأثر از قصد و نیت اوست. گرایش به‌سوی رفتارها و هنجارهای ذهنی، دو عامل مهم است که در قصد و نیت فرد تأثیر می‌گذارد. این دو خود بر هم اثر می‌گذارند؛ در حالی که نگرش به‌منزله طرز تلقی و برداشت مدنظر است.

جدول ۲- نتایج تحلیل اکتشافی همه عوامل

عامل	گویه‌ها	ضریب استاندارد	ضریب بحرانی	معناداری (p-value)	وضعیت	بار عاملی	Kmo
گرایش به ازدواج عامل ۱	ازدواج در صورت شرایط مناسب	۰/۵۳	۸/۴۳	***	مناسب	۷۰	۸۵۶
	ازدواج نکردن با دارندگان تجربه جنسی قبل از ازدواج	۰/۴۹	۶/۸	***	مناسب	۷۱	
	ازدواج نکردن به دلیل بی‌اعتمادی کامل به جنس مخالف	۰/۶۵	۷/۳۴	***	مناسب	۸۲	
	برای ازدواج هر اقدامی لازم باشد انجام می‌دهم	۰/۶۰	۷/۰۲	***	مناسب	۷۶	
	تردید در ازدواج به دلیل شرایط فرهنگی جامعه	۰/۸۴	۸/۳۶	***	مناسب	۷۹	
	با شرایط فرهنگی امروز جامعه تردید دارم که ازدواج کنم.	۰/۸۱	۸/۳۱	***	مناسب	۷۹	
ارتباط با جنس مخالف عامل ۲	در حد معاشرت‌های اجتماعی عمومی رابطه دارم.	۰/۵۳	۸/۴۳	***	مناسب	۷۶	۸۵۶
	در حد روابط اولیه و تماس تلفنی و فضای مجازی	۰/۶۵	۷/۳۴	***	مناسب	۶۹	
	رابطه در حد رفاقت و دوستی خصوصی	۰/۸۶	۸/۴۳	***	مناسب	۷۵	
	رابطه در حد روابط عاطفی و عشقی	۰/۸۴	۸/۳۶	***	مناسب	۶۷	
	رابطه در حد روابط جنسی	۰/۶۰	۷/۰۲	***	مناسب	۷۷	
	هیچ رابطه‌ای	۰/۸۴	۸/۳۶	***	مناسب	۷۱	
دوستی با جنس مخالف عامل ۳	داشتن دوست پسر یا دوست دختر	۰/۷۹	۹/۴۲	***	مناسب	۷۲	۸۵۶
	احتمال دوستی با جنس مخالف در آینده	۰/۶۲	۷	***	مناسب	۸۱	
	تمایل به داشتن دوست پسر یا دوست دختر	۰/۵۸	۶/۱۲	***	مناسب	۷۵	
	در حال حاضر در دانشکده کسی عاشق شما شده است؟	۰/۷۱	۹/۱۱	***	مناسب	۸۳	
	آیا شما در حال حاضر در دانشکده عاشق کسی شده‌اید؟	۰/۶۲	۷/۳۲	***	مناسب	۸۱	
	ازدواج و تشکیل خانواده اصلاً ضامن خوشبختی نیست	۰/۷۲	۱۰/۵۲	***	مناسب	۶۸	
نگرش عامل ۴	نداشتن ضرورت: ازدواج امری سنتی و قدیمی است.	۰/۴۷	۷	***	مناسب	۷۳	۸۵۶
	ازدواج به انسان امنیت روانی می‌دهد.	۰/۷۹	۱۱/۵۵	***	مناسب	۸۱	
	ازدواج امری مقدس است و باید انجامش داد.	۰/۳۶	۵/۳۲	***	مناسب	۷۵	
	رابطه جنسی قبل از ازدواج عشق را می‌میراند.	۰/۶۸	۹/۹۴	***	مناسب	۶۴	
	ازدواج مانع پیشرفت انسان‌هاست.	۰/۶۸	۸,۱۳	***	مناسب	۶۹	
	راه‌های ارضای جنسی زیادند. به ازدواج فکر نمی‌کنم.	۰/۸۶	۸/۴۳	***	مناسب	۸۳	
اعتماد عامل ۵	من به جنس مخالفم به هیچ وجه اعتماد ندارم.	۰/۷۴۳	۸/۵۹	***	مناسب	۷۷	۸۵۶
	افرادی که تجربه رابطه جنسی قبل از ازدواج را دارند، قابل اعتماد نیستند.	۰/۶۹	۷/۵۴	***	مناسب	۷۲	
	وفادار نبودن افرادی که تجربه رابطه جنسی قبل از ازدواج دارند.	۰/۸۲	۸/۲۱	***	مناسب	۸۱	
	به سختی می‌توان به جنس مخالف اعتماد کرد.	۰/۸۱	۸/۷۲	***	مناسب	۶۸	
	من خیلی زود به جنس مخالفم اعتماد می‌کنم.	۰/۷۲	۷/۳۶	***	مناسب	۷۵	

به آماره kmo، می‌توان گفت داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب‌اند؛ در واقع، با سطح معناداری $\alpha = 0.001$ و سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد می‌توان گفت همه عناصر به کاررفته برای هر بعد، قدرت تبیین‌کنندگی مدنظر را دارند.

در این مطالعه با توجه به مطالعات پیشین و بر پایه نتایج فن تحلیل عاملی، ۵ عامل به دست آمد که گرایش به ازدواج، نگرش به ازدواج، ارتباط با جنس مخالف، اعتماد به جنس مخالف و دوستی با جنس مخالف نامگذاری شدند. با توجه

جدول ۳- آزمون KMO و کرویت بار تلت مربوط به رابطه جنسی قبل از ازدواج

شاخص‌ها	اندازه KMO	مجذور کای آزمون بار تلت	درجه آزادی	سطح معناداری
معناداری	۸۶۱	۷۸۲۴۳,۴۳	۷۶	۰/۰۰۱

است. ۸۸٪ از نمونه هم بیان کرده‌اند که داشتن رابطه جنسی قبل از ازدواج، عشق واقعی بین زوج‌ها را از بین می‌برد. ۸۷٪ معتقدند کسانی که قبل از ازدواج رابطه جنسی داشته‌اند، اعتمادکردنی نیستند. ۸۲٪ بیان کرده‌اند کسانی که قبل از ازدواج رابطه جنسی داشته‌اند، در زناشویی وفادار نخواهند بود. نتایج پژوهش نشان دادند ۱۲٪ از پسران و ۵٪ از دختران قبل از ازدواج رابطه جنسی داشته‌اند. ۸۱٪ از پاسخگویان هم در مقابل این سؤال، پاسخ خیر یا نظری ندارم را انتخاب کرده بودند. همه مشارکت‌کنندگان در این پژوهش مجرد بودند؛ بنابراین، وضعیت تأهل در این پژوهش به‌منزله یک متغیر مطرح نیست.

ب) آمار تحلیلی

در بخش آمار تحلیلی با توجه به سطح سنجش متغیرها و اهداف پژوهش از آماره‌های مقایسه میانگین‌ها (F)، آزمون همبستگی پیرسون (R) و تحلیل رگرسیونی چندمتغیره استفاده شد.

فرضیه اصلی این پژوهش وجود رابطه بین رابطه جنسی قبل از ازدواج و کاهش گرایش به ازدواج است. برای سنجش این فرضیه از دانشجویان سؤال شده است که آیا قبل از ازدواج با جنس مخالف رابطه جنسی داشته‌اید یا خیر. برای سنجش این رابطه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. براساس یافته‌های این آزمون، وجود رابطه بین رابطه جنسی پیش از ازدواج با کاهش گرایش به ازدواج با میزان ۰/۷۳۲ و ۹۹ درصد اطمینان تأیید شد. میزان ضریب همبستگی ۰/۷۳۲ نشان‌دهنده رابطه‌ای قوی با جهت مثبت است؛ به این معنا که هرچه افراد قبل از ازدواج رابطه جنسی بیشتری با جنس مخالف داشته باشند، گرایش کمتری به ازدواج دارند (جدول ۴).

معنی‌داری آزمون کرویت بارتلست نشان‌دهنده این است که در ماتریس عامل‌ها به اندازه کافی همبستگی وجود دارد که بتوان تحلیل عوامل را ادامه داد. داده‌های جدول ۳ معناداری شاخص‌ها را نشان می‌دهند. بر اساس نتایج جدول ۳ و میزان خی دو در آزمون کرویت بارتلست می‌توان چنین استنباط کرد که در سطح معناداری ۹۹ درصد فرض صفر تأیید نشده است؛ بنابراین، فرض یک یعنی کفایت الگو پذیرفته می‌شود و تحلیل عاملی به‌درستی انجام شده است. نزدیکی اندازه Kmo به ۱ و میزان عددی بالای ۰/۶ برای این شاخص نشان‌دهنده کفایت مناسب نمونه‌گیری برای انجام تحلیل عاملی اکتشافی انجام شده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش در دو بخش توصیف جامعه آماری و حجم نمونه و آمار تحلیلی تجزیه و تحلیل خواهند شد.

الف) توصیف جامعه آماری و حجم نمونه

در این پژوهش ۳۲٪ از حجم نمونه را پسران و ۶۸٪ از آن را دختران به خود اختصاص دادند. ۲۴/۵٪ از نمونه آماری را دانشجویان فنی و مهندسی، ۴۴٪ را دانشجویان علوم انسانی، ۲۱٪ را دانشجویان علوم پایه، ۴٪ را دانشجویان تربیت بدنی، ۴٪ را دانشجویان هنر و ۳٪ را دانشجویان زبان‌های خارجی تشکیل داده‌اند. ۶۱٪ از نمونه از مقطع کارشناسی و ۳۰٪ از مقطع کارشناسی‌ارشدند. ۹٪ از حجم نمونه را نیز دانشجویان مقطع دکتری شامل شده‌اند که کمترین حجم نمونه را تشکیل می‌دهند. میانگین سنی دانشجویان که به‌منزله مشارکت‌کنندگان این پژوهش مطرح‌اند، ۲۱/۳ سال است و به ترتیب کمترین و بیشترین سن آنها ۱۸ و ۳۷ سال است.

۸۴٪ از نمونه بررسی‌شده اظهار کرده‌اند که حاضر به ازدواج با فردی نیستند که قبل از ازدواج رابطه جنسی داشته

جدول ۴- بررسی همبستگی رابطه جنسی و گرایش به ازدواج

متغیر مدنظر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری دوطرفه
رابطه جنسی پیش از ازدواج و کاهش گرایش به ازدواج	۰/۷۳۲	۰/۰۰۰

این رابطه با میزان ۰/۷۳۲ درصد است که نشان‌دهنده یک رابطه قوی و مثبت است. نتیجه آزمون پیرسون نشان می‌دهد این رابطه با سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید شد؛ به این معنی که هرچه روابط بین پسر و دختر در دوران قبل از ازدواج بیشتر و گسترده‌تر باشد، گرایش بیشتری به ازدواج بین آنها به وجود می‌آید (نگاه کنید به جدول ۴).

یکی از فرضیه‌های این پژوهش وجود رابطه جنسی بین دختر و پسر با کاهش گرایش به ازدواج است. برای این امر، درباره داشتن روابط جنسی با جنس مخالف پرسش شده و برای سنجش گرایش به ازدواج از ۶ گویه استفاده شده است. برای آزمون ضریب همبستگی پیرسون این فرضیه به آزمون گذاشته شد. براساس نتایج این آزمون، فرضیه رابطه دوستی بین دختر و پسر با کاهش گرایش به ازدواج اثبات شد. شدت

جدول ۵- روابط جنسی پیش از ازدواج و نگرش به ازدواج

متغیرهای مدنظر	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	T	sig
روابط جنسی پیش از ازدواج	۲۷/۳۲	۵/۷۸	۳۴۱	۶/۰۱۲	۰/۰۰۰
نداشتن رابطه جنسی قبل از ازدواج	۲۱/۶۳	۶/۷۲	۶۵۶		

سنجش این رابطه از آزمون تی استفاده شد. مقدار T به دست آمده (۶/۰۱۲) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) معنادار بودن تفاوت میانگین‌ها را نشان می‌دهند (نگاه کنید به جدول ۵).

یکی دیگر از فرضیه‌های اصلی این پژوهش وجود رابطه بین رابطه جنسی قبل از ازدواج و نگرش به ازدواج است. برای سنجش آن از دانشجویان سؤال شده است که آیا قبل از ازدواج با جنس مخالف رابطه جنسی داشته‌اید یا خیر. برای

جدول ۶- روابط جنسی پیش از ازدواج و بی‌اعتمادی به جنس مخالف

متغیر مدنظر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری دوطرفه
روابط جنسی پیش از ازدواج و بی‌اعتمادی به جنس مخالف	۰/۶۴	۰/۰۰۰

آزمون، وجود رابطه جنسی پیش از ازدواج بر میزان اعتماد به جنس مخالف تأثیر منفی تعیین‌کننده‌ای دارد و با میزان ۰/۶۴ و ۹۹٪ اطمینان تأیید شد. میزان ضریب همبستگی ۰/۶۴ نشان‌دهنده یک رابطه قوی با جهت مثبت است؛ به این معنا که هرچه افراد در قبل از ازدواج رابطه جنسی بیشتری با جنس مخالف داشته باشند، نسبت به جنس مخالف

یکی دیگر از فرضیه‌های اصلی این پژوهش وجود رابطه بین رابطه جنسی قبل از ازدواج و بی‌اعتمادی به جنس مخالف است. برای سنجش آن از دانشجویان سؤال شده است چقدر به جنس مخالف و کسانی که تجربه رابطه جنسی قبل از ازدواج داشته‌اند، اعتماد دارید. برای سنجش این رابطه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. براساس یافته‌های این

بی‌اعتمادترند (جدول ۶).

معنادار نباشد و به‌منزله عاملی تأثیرگذار بر متغیر وابسته در تحلیل نهایی مطرح نباشند. بر همین مبنا، برای بررسی چنین وضعیتی از آماره رگرسیون چندگانه استفاده شد تا هم تأثیر متغیرهای مختلف بر کاهش گرایش به ازدواج بررسی شود هم تعیین‌کننده‌های اصلی کاهش گرایش به ازدواج مشخص شوند (جدول ۷).

تحلیل رگرسیونی چندمتغیری

با توجه به اینکه تأثیر متغیرهای مستقل بررسی‌شده بر کاهش گرایش به ازدواج بین دانشجویان به‌صورت جدا از هم و به طریق دومتغیری با هم مقایسه شده‌اند، ممکن است تأثیر برخی متغیرها زمانی که به‌صورت همبسته با هم می‌آیند،

جدول ۷- آماره‌های الگوی رگرسیونی

شاخص‌های آماری الگوی ۱	ضرب	همبستگی	ضرب تعیین (R^2)	ضرب تعیین تعدیل‌یافته
چندگانه R	۰/۷۸۴		۰/۶۷۱	۰/۵۳۲
مقادیر				

رابطه تأیید شده بود؛ اما زمانی که با دیگر متغیرهای پژوهش همبسته شد، تأثیری در کاهش گرایش به ازدواج نگذاشت و نشان داد عاملی اصلی در کاهش گرایش به ازدواج جوانان نیست. با توجه با اطلاعات جدول، متغیرهای روابط جنسی پیش از ازدواج، دوستی بین دختر و پسر، میزان پایبندی به ارزش‌های دینی و بی‌اعتمادی به جنس مخالف ۵۳/۲ درصد واریانس کاهش گرایش به ازدواج را تبیین می‌کنند. ضریب رگرسیون استاندارد (Beta) نشان می‌دهد روابط جنسی پیش از ازدواج قوی‌ترین رابطه (۰/۴۶۳) را با کاهش گرایش به ازدواج دارند. میزان بتای بالای این متغیر که به‌منزله مؤثرترین عامل در کاهش گرایش به ازدواج بین دانشجویان مطرح است، نشان‌دهنده اهمیت بالای رابطه‌های جنسی قبل از ازدواج در فرایند ازدواج است (جدول ۸). با حذف دو گویه و تحلیل عاملی اکتشافی، گویه‌هایی که می‌توانستند در عامل دیگری هم قرار بگیرند، حذف شدند.

براساس اطلاعات جدول ۷، مقدار ضریب همبستگی چندگانه (R) ۰/۸۶۴ است که نشان می‌دهد متغیرهای معنادار در معادله رگرسیون با کاهش گرایش به ازدواج همبستگی بالایی دارند. مقدار ضریب تعیین (R^2) ۰/۷۸۴ و مقدار ضریب تعیین تعدیل‌یافته (R^2 Adjust) ۰/۶۷۱ است؛ یعنی براساس متغیرهای مستقل الگو، می‌توان ۵۴ درصد از تغییرات کاهش گرایش به ازدواج را پیش‌بینی کرد.

نتایج حاصل از رگرسیون چندگانه در جدول ۸ نشان می‌دهند با توجه به مقدار آزمون و معناداری آن در سطح ۰/۹۹ معادله رگرسیون معتبر است و نتایج آن تحلیل‌پذیرند؛ از این‌رو، به‌دلیل بالابودن نسبی ضریب تعیین از آماره تحمل استفاده می‌شود.

یکی از نتایج تحلیل رگرسیونی متغیرهای این پژوهش این است که بین خوابگاهی‌بودن و کاهش گرایش به ازدواج رابطه‌ای مشاهده نشد؛ در صورتی که به‌صورت جداگانه این

جدول ۸- نتایج رگرسیونی متغیرهای مستقل با گرایش به ازدواج

متغیرها	ضرایب استاندارد نشده	ضرایب استاندارد شده	مقدار t	آماره تحمل	VIF عامل تورم واریانس	Sig
	B	Beta				
مقدار ثابت	۳۹/۸۷۱		۳/۱۶۰			۰/۰۰۱
روابط جنسی پیش از ازدواج	۷/۸۵۹	۰/۴۶۳	۸/۰۸۳	.۶۱	۱,۶۳	۰/۰۰۰
دوستی بین پسر و دختر	۰/۰۶۷	۰/۱۴۵	۲/۴۶۴	.۶۴	۱,۵۶	۰/۰۴۰
پابندی به ارزش‌های دینی	۲/۰۶۶	۰/۱۷۳	۳/۰۰۶	.۶۸	۱,۴۷	۰/۰۰۳
نگرش به ازدواج	۰/۰۰۵	۰/۰۸۳	۰/۸۸۰	.۶۷	۱,۴۹	۰/۳۷۹
بی‌اعتمادی به جنس مخالف	-۱۳/۳۲۰	-۰/۳۳۰	-۴/۶۲۶	.۶۸	۱,۴۷	۰/۰۰۰

عامل تورم واریانس (VIF) شدت هم‌خطی چندگانه را در تحلیل رگرسیون کمترین مربعات معمولی ارزیابی می‌کند و نشان می‌دهد چه مقدار از تغییرات مربوط به ضرایب برآورد شده بابت هم‌خطی افزایش یافته است. شدت هم‌خطی چندگانه را با بررسی بزرگی مقدار VIF ارزیابی می‌کنند و هرچه میزان آن به ۱ نزدیک‌تر باشد به معنای وجود نداشتن هم‌خطی متغیرهای بررسی شده است. بیشترین میزان عامل تورم واریانس VIF متغیرهای بررسی شده ۱/۶۳ و کمترین مقدار آن ۱/۴۷ است که نشان می‌دهد بین متغیرها هم‌خطی وجود ندارد و نگران‌کننده نیست. همچنین براساس داده‌های جدول ۸، آماره تحمل همه متغیرهای بررسی شده بالای ۶۱ صدم است؛ از این رو، مقادیر آماره تحمل میزان هم‌خطی بین متغیرهای استفاده شده نگران‌کننده نیست.

نتیجه

کاهش گرایش به ازدواج و افزایش سن ازدواج مسئله‌ای چندبعدی است که از عوامل متعددی تأثیر می‌گیرد. این پژوهش به صورت مشخص با یک پرسش‌نامه از قبل تعیین شده این موضوع را بررسی کرده است؛ در صورتی که اگر با روشی غیر از پرسش‌نامه (کیفی و اکتشافی) موضوع بررسی می‌شد، ممکن بود پرده از واقعیات جدیدی برداشته شود که تاکنون برای ما ناشناخته و مبهم بوده است؛ از این رو،

این پژوهش منکر وجود عوامل دیگر غیر از عوامل یاد شده در کاهش گرایش به ازدواج بین جوانان نیست. پژوهش حاضر بین دانشجویان دانشگاه اصفهان براساس پرسش‌نامه‌ای انجام شده است که نگارندگان این پژوهش تدوین کرده‌اند. این پژوهش در پی آزمون فرضیه‌هایی است که با توجه به اهداف و مبانی نظری طراحی شده است. براساس داده‌های پژوهش، معاشرت نزدیک و پیش‌رونده (جنسی) با جنس مخالف قبل از ازدواج سبب کاهش گرایش دختران و پسران مجرد نسبت به ازدواج نمی‌شود. روابط جنسی پیش از ازدواج که یا کمتر با قصد ازدواج است یا موجب پاسخگویی نیازهای عاطفی و جنسی افراد می‌شود، بیشتر با کاهش گرایش به ازدواج مرتبط است؛ بنابراین، فرض اصلی پژوهش مبنی بر تأثیر روابط جنسی پیش از ازدواج بر کاهش گرایش به ازدواج با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون در سطح معناداری ۹۹ درصد رد شد. همچنین سایر عوامل بررسی شده به غیر از اعتماد بر گرایش به ازدواج تأثیر مثبت دارند. روابط جنسی قبل از ازدواج تنها بر میزان اعتماد به جنس مخالف تأثیر منفی گذاشته است. نتایج این فرضیه با یافته‌های حاصل از پژوهش خلیج‌آبادی‌فراهانی (۱۳۹۵) و بارلو و همکاران^۱ (۲۰۰۵) همسوست و نتایج پژوهش آنها را نیز تأیید می‌کند. نتیجه این فرضیه با نظریه میشل فوکو

^۱ Barlow et al.

براساس این نظریه، گسترش دانشگاه به منزله نهادی مدرن و حضور همزمان دو جنس مخالف در آن، شاکله سنتی روابط این دو جنس که قبل از این جدا از هم بودند را بر هم زده و دوستی و رابطه‌ای جدیدی بین آنها در این فضای مدرن به وجود آورده و روابط را از شکل سنتی آن به شیوه‌ای جدید تبدیل کرده است. در این رابطه فراسنتی، نزدیکی این دو جنس به هم بیشتر شده و رابطه دوستی پایدار بین آنها شکل گرفته است؛ از این رو، رفتارهای سنتی که تا قبل از این بین این دو جنس بر مبنای عرف و سنن بوده است، به یکباره عمومی می‌شود و شکل جدیدی از رابطه بین این دو جنس بر مبنای ارزش‌های فراسنتی ایجاد می‌شود.

دیدن فیلم‌های ماهواره‌ای و استفاده از فضای مجازی نیز در کاهش گرایش جوانان به ازدواج مؤثر بوده است. فرهنگ متفاوت و نوع روابط افراد در سریال‌های ماهواره و نشان دادن خیانت‌های بسیار در محتوای اینگونه سریال‌ها سبب شده است جوانان نسبت به ازدواج و جنس مخالف خود نگرش منفی پیدا کنند و روابط آزاد را بر ازدواج ترجیح دهند. ماهواره‌ها تحول عظیم با تولید و پخش برنامه‌ها در سطح وسیع ایجاد می‌کنند. کنترل‌نشده امواج ماهواره‌ای موجب شده است حجم وسیعی از برنامه‌های برون‌مرزی به فضای فکری جامعه وارد شود و بر ابعاد مختلف فردی و اجتماعی تأثیر بگذارد.

بی‌اعتمادی به جنس مخالف با کاهش گرایش به ازدواج براساس یافته‌های تحلیلی این پژوهش به اثبات رسید. این نتیجه نشان‌دهنده رشد و گسترش بی‌اعتمادی بین لایه‌های اجتماعی و حتی خانواده در ایران است. نتیجه این رابطه مؤید نظریه نوگرایی گیدنز درباره بی‌اعتمادی در جهان مدرن است که می‌گوید گسترش بی‌اعتمادی و دورویی در روابط اجتماعی و گسترش انواع انحراف اخلاقی در سطح جامعه به نهاد خانواده و مناسبات انسانی نیز سرایت یافته است و در اساس، کیفیت ارتباط با دیگران را دچار شک و تزلزل کرده است (گیدنز، ۱۳۸۸: ۴۴). براساس این نظریه، اعتماد به جنس

تحلیل‌پذیر است؛ او می‌گوید گسترش قلمروهای گوناگون شناخت (از شناخت درباره سازوکار زیست‌شناختی تولیدمثل گرفته تا رفتارهای پرتنوع فردی و اجتماعی)، وضع نظامی از قوانین و هنجارها - پاره‌ای سنتی و پاره‌ای دیگر تازه - که بر نهادهای دینی، حقوقی، آموزشی و پزشکی تکیه داشت و تغییرات پدیدآمده در افراد براساس شیوه‌ای که به رفتارها، وظایف، لذت‌ها، احساس‌ها، هنجارها و رؤیاهای خود معنا و ارزش می‌بخشند، تحلیل‌شدنی هستند. براساس نظریه فوکو، در جامعه ایران تغییراتی که در صد سال اخیر از جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و شناختی به وجود آمده‌اند، تأمل‌برانگیزند. در این دوران تغییر روابط اجتماعی، رشد و گسترش طبقه متوسط شهری به منزله قشر روشنفکر و امروزی، ارتباط و تعامل با کشورهای اروپایی و تدوین قانون تنظیم خانواده و... همگی تغییراتی بودند که سبب تحول ساختاری در نوع رابطه، تعریف لذت و احساس و تجدیدنظر در ارزش‌های سنتی و بازتولید معنای جدید برحسب مقتضیات زمان شدند؛ یکی از نتایج چنین تحولاتی تجدیدنظر نسبت به جنس مخالف، به‌ویژه در زودرسی یا تأخیر در ازدواج یا کنارگذاشتن امر ازدواج و تجرد قطعی بود.

براساس یافته‌های این پژوهش فرضیه دوستی و معاشرت با جنس مخالف سبب کاهش گرایش افراد به ازدواج می‌شود، با سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید شد؛ بدین معنی که با افزایش دوستی و معاشرت‌های بین دختر و پسر گرایش آنها به ازدواج کمتر می‌شود و سن آنان برای ازدواج بالا می‌رود و زمینه رسیدن به سن تجرد قطعی فراهم می‌شود. این نتیجه با نظریه جهانی‌شدن گیدنز تحلیل‌پذیر است. بر وفق نظر گیدنز دوستی، صمیمیت و روابط جنسی، بخشی از روابط شخصی افراد به شمار می‌روند. این روابط در دوران سنتی براساس ارزش‌های خاص آن دوران همچون اخلاص، شرف و مانند آنها استوار بوده‌اند؛ اما در دوران بعد از سنت از فرایند مدرنیته و شکل متأخر آن و از ارزش‌های فراسنتی همچون وفاداری و درستی تأثیر می‌گیرند (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۴۲-۱۴۱).

ب) پیشنهادهای عملیاتی

با توجه به جامعه مطالعه شده، پیشنهاد می‌شود دانشگاه نسبت به ازدواج جوانان در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی جدیت بیشتری داشته باشد. این پژوهش دو پیشنهاد برای دانشگاه دارد: اول اینکه با آگاه کردن جوانان در زمینه آموزش‌های روابط زناشویی، آسیب‌ها و مسائل آن را بدون پرده بیان کند و با برگزاری کارگاه‌های آموزش مهارت‌های زندگی و جنسی و آموزش مهارت‌های شادی و نشاط و سازگاری، نگرش‌های مثبتی را ایجاد کند. دوم اینکه، مهارت‌های ارتباط با جنس مخالف به جوانان و دانشجویانی که قصد تشکیل خانواده را دارند، آموزش داده شوند. دانشگاه با ایجاد شرایط لازم و آماده کردن بستری برای شناخت عمیق‌تر دانشجویان نسبت به مسائل خانوادگی به دانشجویانی که قصد و گرایش به ازدواج دارند، می‌تواند به مرادده‌های دانشجویان پسر و دختر جهت و هدف بدهد؛ از این رو، ضروری است فعالیت‌ها و اقدامات دانشگاه در مراکز مشاوره و معاونت‌های فرهنگی بر محور آموزش مهارت‌های خانوادگی و زناشویی و روابط اجتماعی قرار گیرد.

منابع

آزادارمکی، ت.؛ شریفی‌ساعی، م.؛ طالبی، س. و ایثاری، م. (۱۳۹۰). «سنخ‌شناسی روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ش ۲، ص ۳۴-۱.

الیوت، الف. و ترنر، آ. ب. (۱۳۹۰). *برداشت‌هایی در نظریه اجتماعی معاصر*، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران: جامعه‌شناسان.

اینگلهارت، ر. (۱۳۸۲). *تحول فرهنگی در جامعه صنعتی پیشرفته*، ترجمه: مریم وتر، تهران: کویر.

باومن، ز. (۱۳۸۴). *عشق سیال*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: ققنوس.

بستان‌نجفی، ح. (۱۳۹۰). «راهبرد پارادایم‌سازی اسلامی در حوزه جامعه‌شناسی خانواده و جنسیت»، *مطالعات*

مخالف برای تشکیل زندگی نیز دستخوش تغییر و تحولات جدی شده است که این روابط با توجه به مناسبات اجتماعی جدید به سمت بی‌اعتمادی سوق پیدا کرده‌اند.

در نهایت می‌توان اذعان کرد که تغییرات نگرشی و ارزشی درباره معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج، یکی از نشانه‌های تغییرات گسترده فرهنگی است که در جامعه در حال گذار ما در حال شکل‌گیری است. پدیده روابط دختر و پسر، واقعیتی اجتماعی است که تغییر فرهنگی در نظام کلان اجتماعی ایران را نشان می‌دهد. این موضوع به ظاهر در یک پدیده اجتماعی، مطالعه و پژوهش شده است؛ اما به لحاظ نظری و با توجه به تعامل موجود بین متغیرهای مختلف اجتماعی، می‌توان انتظار داشت در سایر عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز به نوعی با روند نوگرایی به‌ویژه نوگرایی ارزشی و گاه نوگرایی رفتاری روبه‌رو شویم.

پیشنهادهای پژوهش

الف) پیشنهادهای پژوهشی

۱- با وجود کارآمدی و نتیجه‌بخش بودن پیمایش و پژوهش‌های کمی، شایسته است برای کشف واقعیات بیشتر و اظهارات خود جوانان، مسئله کاهش گرایش به ازدواج به صورت کیفی و اکتشافی بررسی شود؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود این موضوع در سایر دانشگاه‌ها با روش کیفی انجام شود تا شناخت بیشتر و جامع‌تری نسبت به مسئله مدنظر حاصل شود.

۲- بهتر است برای اصلاح رابطه‌ها و تغییر نگرش‌ها، روابط دختر و پسر و بایدها و نبایدها در این زمینه، نشست‌های علمی - تخصصی با حضور دانشجویان، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان در سطح دانشگاه‌ها برپا شود. نتیجه‌ها و یافته‌های چنین نشست‌هایی هم از طریق رسانه‌های جمعی و فضای مجازی، برای تأمین منافع عمومی در اختیار خانواده‌ها و جوانان قرار گیرد.

- راهبردی زنان، ش ۵۳، ص ۴۱-۲۱.
- بهباد، د. (۱۳۹۰). *سنجش باورهای غلط غیرمنطقی جوانان پیش از ازدواج*، شیراز: دانشگاه آزاد مرودشت.
- چلبی، م. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی.
- حسینی، م. (۱۳۹۴). «بررسی رابطه عشق و رضایت زناشویی با هرزه‌نگاری جنسی در دانشجویان متأهل شهرستان بیرجند»، *مطالعات زنان*، س ۱۳، ش ۳، ص ۵۲-۲۹.
- خلج‌آبادی‌فراهانی، ف. (۱۳۹۵). «فراتحلیل پژوهش‌های انجام‌شده در مورد رابطه جنسی قبل از ازدواج در دانشجویان در ۱۵ سال گذشته (۱۳۹۴-۱۳۹۰)»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ش ۳۳۹، ص ۳۶۷-۳۴۷.
- خلج‌آبادی‌فراهانی، ف. و شجاعی، ج. (۱۳۹۲). «بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه‌های تهران نسبت به تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر رضایت زناشویی»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۶۱، ص ۱۸۸-۱۴۹.
- خلج‌آبادی‌فراهانی، ف. و مهریار، الف. (۱۳۸۹). «نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران»، *خانواده‌پژوهی*، س ۶، ش ۲۴، ص ۴۶۸-۴۴۹.
- خلج‌آبادی‌فراهانی، ف.؛ کاظمی‌پور، ش. و رحیمی، ع. (۱۳۹۰). *بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج، رضایت زناشویی و طلاق*، طرح مشترک وزارت ورزش و جوانان و مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، تهران.
- خواججه‌نوری، ب. و دلاوری، م. (۱۳۹۱). «عوامل مؤثر بر دوستی دختر و پسر در بین جوانان شهر شیراز با تأکید بر فرایند جهانی‌شدن»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، س ۲۳، ش ۴۶، ص ۶۴-۴۱.
- ذکایی، م. (۱۳۸۴). «خرده‌فرهنگ یا فرهنگ مصرفی؛ پژوهشی در بین دختران دانش‌آموز تهران»، *مجله مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش ۴، ص ۲۶-۱.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۷۲). *سنجش گرایش روستاییان به جهاد سازندگی*، تهران: کیهان.
- ریتزر، ج. (۱۳۹۰). *نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- زیاری، م. (۱۳۹۰). *مطالعه جامعه‌شناختی پنهان‌کاری جنسی در زندگی روزمره دختران*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه اصفهان.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۰). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش.
- سلیمی‌نیا، ل. و جزایری، ع. (۱۳۸۴). «نقش سلامت روان در ظهور رفتارهای پرخطر نوجوانان»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ش ۱۹، ص ۹۰-۷۵.
- شیخ‌دارانی، ه؛ مهرابی، ح. کجیاب، م. عابدی، م. (۱۳۸۷). «بررسی تأثیر آموزش مبتنی بر افزایش آگاهی از آسیب‌های ناشی از روابط آسیب‌زای دختر و پسر بر نگرش دانش‌آموزان دختر مدارس دوره متوسطه شاهین‌شهر»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ش ۳۸، ص ۶۲-۴۱.
- شیرمحمدی، ح. (۱۳۸۶). «مفهوم رابطه جنسی در شریعت شیعی»، *مجله علوم اجتماعی*، ش ۲، ص ۶۹-۵۲.
- صمدی، الف. (۱۳۸۳). *مشکلات زنان و دختران مجرد بالای ۲۸ سال در تهران*، پروژه تحقیقاتی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- عظیمی، م.؛ اعظم‌کاری، ف.؛ بیگانه، م. و رضامنش، ف. (۱۳۹۴). «ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای کنش جوانان در خصوص همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج؛ مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه‌های استان خراسان رضوی»، *مجله علمی - پژوهشی راهبرد فرهنگ*، ش ۲۹، ص ۱۷۹-۲۱۲.
- علی‌تبار، ه. (۱۳۹۳). «بررسی رابطه بین رابطه جنسی پیش از

- محمودیان، ح. (۱۳۸۳). «سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان»، *مجله علوم اجتماعی*، ش ۲۴، ص ۳۴-۴۹.
- موحد، م؛ عنایت، ح. و عباسی‌شوازی، م. (۱۳۸۵). «بررسی رابطه عوامل اجتماعی و فرهنگی با نگرش دانشجویان نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ش ۳۶، ص ۱۶۵-۱۴۷.
- میرزایی، خ. و برغمندی، ه. (۱۳۸۹). «بررسی رابطه با جنس مخالف و عوامل مرتبط با آن»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ش ۱۳۱، ص ۱۵۸-۱۳۴.
- Alexander, M. Grade, L. Kanade, S. Shireen, J. & Bela, G. (2006) "Romance and Sex: Premarital Partnership Formation among Young Women and Men." *Reproductive Health Matters*, 14: 144-155.
- Barlow, A. Duncan, S. Grace, J. & Alison, P. (2005) *Cohabitation, Marriage and the Law, Social Change and Legal Reform in the 21st Century*, Oxford: Hart Publishing.
- Beck, P. (2002) *Key Terms in Discourse Analysis*, University of Dayton press: Continuum International Publishing.
- Brown, S. Sanchez, L. Nock, S. Deines, J. & Wright, J. (2006) "Links between Premarital Cohabitation and Subsequent Marital Quality, Stability and Divorce: A Comparison of Covenant versus Standard Marriages." *Science Research*, 35: 456-470.
- Etaugh, C. A. & Bridges, J. S. (2004) *The Psychology of Women: A Lifespan Perspective*, USA: Pearson.
- Foorman, L. (2002) "Global Perspectives on the Sexual and Reproductive Health of Adolescents: Patterns, Prevention and Potential." *Lancet*, 369: 1220-1231.
- Ghuman, S. H. Loi, V. M. Huy, V. T. & Knodel, J. (2006) "Continuity and Change in Premarital Sex in Vietnam." *Journal of International Family Planning Perspectives*, 32 (4): 32-56.
- Giddens, A. (1992) *The Transformation of Intimacy: Sexuality, Love & Eroticism in Modern Societies*, California: Stanford University Press.
- Harding, D. & Jencks, C. H. (2003) "Changing Attitudes toward Premarital Sex." *Public Opinion Quarterly*, 67(2): 232-256.
- Hedayati Moghaddam, M. R. Eftekharzadeh Mashhadi, I. Fathimoghaddam, F. & Pourafzali, S. J. (2015) "Sexual and Reproductive Behaviors among Undergraduate University Students in Mashhad; ازدواج با نگرش به روابط فرازنشویی»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، س ۱۰، ش ۳۸، ص ۲۶۷-۲۵۵.
- فرامرزی، د. (۱۳۷۸). «نظریه ساختار مدور ارزش‌های شوارنز»، *نامه پژوهش*، ش ۱۵، ص ۱۲۱-۱۰۲.
- فوکو، م. (۱۳۸۴). *تاریخ جنسیت*، ترجمه: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نشر نی.
- قادرزاده، الف؛ محمدی، ف. و محمدی، ح. (۱۳۹۶). «جوانان و روابط پیش از ازدواج؛ مطالعه کیفی زمینه‌ها، تعاملات و پیامدهای آن»، *مجله علمی - پژوهشی راهبرد فرهنگ*، ش ۳۸، ص ۴۰-۶.
- قاسمی، و. (۱۳۸۵). «سنخ‌شناسی دانشجویان بر مبنای پدیده روابط دوستانه دختر و پسر؛ مورد مطالعه دانشگاه صنعتی اصفهان»، *فصلنامه مطالعات جوانان*، ش ۷، ص ۹۰-۱۱۳.
- قانع عزآبادی، ف. (۱۳۹۳). *داغ ننگ تجرد دختران ۳۰ سال و بالاتر در سطح تجربه فردی و نگرش اجتماعی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- کاظمی‌پور، ش.؛ رحیمی، ع. و خلج‌آبادی‌فراهانی، ف. (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، *خانواده‌پژوهی*، ش ۳۳، ص ۲۸-۷.
- کجیاف، م. (۱۳۹۴). *روان‌شناسی رفتار جنسی*، تهران: روان.
- گرمارودی، غ.؛ مکارم، ج.؛ علوی، ش. و عباسی، ز. (۱۳۸۸). «عادات پرخطر بهداشتی در بین دانش‌آموزان تهرانی»، *فصلنامه پژوهشکده علوم اجتماعی*، ش ۱، ص ۹-۱.
- گلزاری، م. (۱۳۸۴). «روابط بین دختر و پسر و نظریه‌های روان‌شناسی»، *فصلنامه روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی تهران*، ش ۱، ص ۱۲۲-۱۰۵.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۵). *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۸). *تجدد و تشخیص*، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

- Women: A Study of Marriage Lithuanian Couples." *Journal of Sex Role*, 60: 184-171.
- Schumm, W. P. Silliman, B. & Bell, D. B. (2000) "Connecting Experiences: Aadolescent Family Life as a Unifying Entity. Unpublished Doctoral Dissertation". *Journal of Sex Marital Therapy*, 26: 89-117.
- Vakilian, K. Mousavi, S. A. & Keramat, A. (2014) "Estimation of Sexual Behavior in the 18-24 Years Old Iranian Youth based on a Crosswise Model Study." *BMC Research Note*, 14: 7-28.
- Wells, B. E. & Twenge, J. M. (2005) "Changes in Young People's Sexual Behavior and Attitudes, 1943-1999: A Cross-Temporal Meta-Analysis." *Review of Genera Psychology*, 9: 249-261.
- Zealek, A. & Kanter, S. (1980) "Opposite-Sex Friendship: Sex Differences and Similarities in Initiation, Selection and Dissolution." *Personality and Social Psychology Bulletin (PSPB)*, 27 (10): 7-33.
- a City in Northeast of Iran." *Journal of Reproduction and Infertility*, 16 (1): 43-48.
- Kajear, I. & Peatersoon, R. (1984) "Sexual Values and Early Experiences among Young People Coming of Age in South and Southeast Asia: Youth Courtship and Sexuality." *Surrey, UK: Curzon Press, Richmond*, 23: 324-246.
- Kamp Dush, C. M. Ohan, C. & Kleinbauml, S. (2003) "The Relationship Between Cohabitation and Marital Quality and Stability: Change Across Cohorts?" *Journal of Marriage and Family*, 65: 121-144.
- Lee, G. R. & Payne, K. (2010). "Changing Marriage Pattern since 1970: What's going on and why?" *Journal of Comparative Family Studies*, 41 (4): 154-168.
- Mohammad, K. Khalej AbadiFarahani, F. & Shojaee, J. (2007) "Sexual Risk-Taking Behaviors Among Boys Aged 15-18 Years in Tehran." *Journal of Adolescent Health*, 41 (4): 58-74.
- Regner, T. & Aker, L. (2011) "Premarital Sex and Marital Satisfaction of Middle Age Men and

